



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 42
Spring 2025

Pages: 55-83

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2024.61228.2511

Received: 2025/04/15

Received in revised form: 2024/09/29

Accepted: 2024/10/21

Published: 2025/03/29

The Economic Functions of Robes and the Act of Granting Robes in the Qajar Era (According to the Reports of Foreign Travelers)

Farzad Khoshab¹ | Jafar Aghazadeh²

Abstract

During the Qajar era, various offerings, including robes and other gifts, were exchanged between the king, his subordinates, and sometimes foreign ambassadors. The royal robe was one of the most significant offerings, often given as a royal gift by the king to his subordinates and frequently noted by foreign travelers. The khal'at was a type of garment or body covering presented to individuals holding specific positions, particularly government officials, by the king on special occasions, especially during Nowruz. Specific rituals and requirements accompanied the act of disrobing and bestowing the royal garment. The status of the individuals receiving the robe and their importance to the Qajar kings played a significant role in determining the type of garment given. This research seeks to answer the question, based on the observations and reports of foreign travelers, of what the king's disrobing ceremony entailed during the Qajar era and the economic functions, consequences, and influencing factors associated with it. The research findings indicate that sending the khal'at from the king to the recipient involved elaborate ceremonies. Economically, this practice was seen as a source of revenue for the court, and the mechanism used to distribute the khal'at helped reduce related expenses for the court. On the other hand, the khal'at granted to the recipient often led to negative effects, such as financial pressure on those under their control.

Keywords: *Khal'at, offerings, Qajar kings, government positions, ceremonies.*

1. PhD in Post-Islamic Iranian History, Lorestan University, Iran

farzad.69.fk@gmail.com

2. Professor, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Iran

(Corresponding Author)

j.agazadeh@gmail.com



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



کارکردهای اقتصادی خلعت و خلعت بخشی در عصر قاجار (براساس گزارش سیاحان خارجی)

فرزاد خوش آب^۱ | جعفر آقازاده^۲

چکیده

در عصر قاجار همواره در مناسبت‌های مختلف انواع تقدیمی‌ها، اعم از خلعت و پیشکش بین شاه و مقام‌های پایین‌دست و در مواقعی سفرای دول خارجی ردویدل می‌شد. یکی از مهم‌ترین تقدیمی‌هایی که در این دوره به‌عنوان عطیه‌ای ملوکانه از طرف شاه به زیردستانش اعطا می‌شد و در کانون توجه سیاحان خارجی قرار گرفته‌است، خلعت شاهی بود. خلعت نوعی جامه یا تن‌پوش بود که به فراخور مقام، منصب و موقعیت افراد به‌ویژه کارگزاران حکومتی از طرف شاه در زمان‌هایی خاص به‌ویژه در عید نوروز به آن‌ها اعطا می‌شد. خلعت‌بخشی و اعطای خلعت‌شاهی با آیین‌ها و ملزوماتی همراه بود و جایگاه افراد خلعت‌گیرنده و اهمیت خدمات آن‌ها به شاهان قاجار در تعیین نوع آن سهم به‌سزایی داشت. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که براساس فهم و گزارش سیاحان خارجی، خلعت‌بخشی شاه و خلعت‌پوشی در عصر قاجار چگونه بود و کارکردهای اقتصادی، پیامدها و عوامل مؤثر در آن، چه بودند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارسال خلعت از طرف شاه تا رسیدن به فرد موردمرحمت با تشریفات خاصی انجام می‌شد که این امر از نظر اقتصادی یکی از کانال‌های درآمدزایی دربار محسوب می‌شد و با توجه به سازوکاری که برای اعطای خلعت در پیش گرفته می‌شد هزینه‌های مربوط به آن برای دربار کاهش می‌یافت. از طرفی خلعت اعطایی به شخص موردمرحمت، آثار زیان‌باری همچون فشار مالی بر رعایای تحت سلطه آن‌ها را به همراه داشت.

کلیدواژه‌ها: خلعت، پیشکش، پادشاهان قاجار، مناصب حکومتی، تشریفات.

farzad.69fk@gmail.com

j.agazadeh@gmail.com

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان، ایران

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی، ایران (نویسنده مسئول)



مقدمه

یکی از عوامل مؤثر بر تثبیت جایگاه حکومت‌ها و افزایش کارآمدی آن‌ها، توان مالی و داشتن خزانه مالا مال از ثروت بود؛ بنابراین یکی از دغدغه‌های حکومتگران که همواره قدرت و جایگاهشان را تحت‌تأثیر قرار می‌داد جمع‌آوری ثروت و پر کردن خزانه بود. به همین علت پادشاهان قاجار از راه‌ها و کانال‌های مختلفی سعی می‌کردند بر ثروت خود بیفزایند. عوامل و شرایط مختلفی در افزایش و کاهش درآمد دربار ایران در این دوره نقش داشتند؛ به‌طوری‌که سیاحان خارجی ردوبدل کردن انواع تقدیمی‌ها و هدایا را دارای سهم زیادی در کاهش و افزایش ثروت دربار دانسته‌اند. در این میان خلعت شاهی و پیشکش دو نوع تقدیمی در عصر قاجار بودند که از بالاترین شخص مملکت (شاه) تا پایین‌ترین مقامات حکومتی و مردم عادی را از نظر اقتصادی و دیگر جنبه‌ها تحت‌تأثیر قرار می‌داد. خلعت شاهی که همواره از طرف شاه به زیردستانش تقدیم می‌شد از نظر معنوی عطیه‌ای ملوکانه بود که اهمیت و کارکرد ویژه‌ای برای گیرنده آن داشت؛ درواقع خلعت‌بخشی از جانب شاه به زیردستانش، مهر تأییدی بر ابقا و انتصاب افراد در مشاغل مختلف به‌ویژه حکمرانی در ایالات و ولایات بود. به همین علت خلعت‌گیرنده به‌پاس مرحمت ملوکانه و نیاز به استمرار آن در سال‌های آتی می‌بایست با تقدیم پیشکش‌های ارزشمند و هنگفت سپاس‌گزاری خود را به شاه ابراز می‌کرد؛ بنابراین خلعت‌بخشی یکی از عوامل مهم در چند برابر شدن پیشکش‌های تقدیمی بود. از طرف دیگر با توجه به اینکه خلعت‌بخشی هزینه‌های زیادی برای خزانه دربار به همراه داشت بخش اعظم آن از طریق پیشکش‌های تقدیمی حکام و هدایای سفرای خارجی تأمین می‌شد؛ بنابراین درمجموع خلعت‌بخشی از نظر درآمدزایی، برای دربار به‌صرفه بود و چند برابر آن با پیشکش جبران می‌شد؛ اما درمقابل شخص گیرنده و به‌طور اخص حکام با تقدیم پیشکش برای به دست آوردن خلعت و تشریفات و تدارکات ویژه‌ای که برای نمایاندن مرحمت شاه انجام می‌دادند هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شدند که به‌ناچار می‌بایست آن‌ها را از رعایای تحت امر خود تأدیه می‌کردند. ازاین‌رو در پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که براساس فهم و گزارش سیاحان خارجی خلعت‌بخشی شاه و خلعت‌پوشی در عصر قاجار چگونه بود و کارکردهای اقتصادی، پیامدها و عوامل مؤثر در آن چه بودند؟

درباره آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است که برخی از آن‌ها به‌صورت گذرا به مراسم و آیین خلعت‌بخشی در عصر قاجار اشاره داشته‌اند؛ مافی تبار (۱۴۰۱) به بررسی ارزش منسوجات عصر قاجار و برخی از خلعت‌های این دوره اشاره کرده و به‌صورت گذرا به خلعت‌بخشی شاه به زیردستان پرداخته‌است، اما به انواع خلعت، آیین خلعت‌بخشی، کارکردهای اقتصادی و پیامدها و علل آن اشاره نکرده‌است. رودگی (۱۳۹۳) و سبزعلی‌پور (۱۳۸۵) آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی را به‌صورت خیلی مختصر و گذرا در تاریخ ایران شرح داده‌اند. الهی و سامانیان (۱۴۰۰) به تحلیل جامعه‌شناختی و اجتماعی خلعت‌بخشی در عصر خلفای فاطمی پرداخته‌اند. مرزبان و قاری (۱۳۹۷) شیوه‌های توصیف خلعت‌بخشی در تاریخ بیهقی و شاهنامه فردوسی را مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ بنابراین هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق، آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی، کارکردهای اقتصادی و پیامدهای آن را در دوره قاجار به‌صورت مستقل موردبررسی قرار نداده‌اند. ازاین‌رو پژوهش حاضر با پرداختن به خلعت و انواع آن، آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی و جایگاه اقتصادی آن در عصر قاجار دارای نوآوری است.

۱. خلعت و انواع آن در عصر قاجار

خلعت به چیزی گفته می‌شود که از سوی مقامات بالادستی به مقامات پایین‌دستی اعطا می‌شود (دهخدا، ذیل مدخل خلعت). در عصر صفوی سیاحان خارجی خلعت را نوعی تن‌پوش می‌دانستند که از شخصی در جایگاه بالاتر به افرادی در مرتبه پایین‌تر اعطا می‌شد (تاورنیه، ۱۳۹۹: ۱۳۶، ۲۸۷-۲۸۸؛ شاردن، ۱۳۷۴: ج ۲: ۶۷۲، ج ۳: ۱۱۷۴-۱۱۷۵، ۱۲۱۰).

در عصر قاجار نیز انواع هدایا وجود داشت. هنری بروگش در رابطه با انواع تقدیمی‌های عصر قاجار و تفکیک آن‌ها از یکدیگر گزارش دقیقی دارد: «وقتی واژه هدیه به گوشمان می‌خورد بی‌درنگ درمی‌یابیم که منظور هدیه‌ای است که یک فرمانروا به فرمانروای دیگر داده‌است. تعارف هدیه‌ای است که افراد معمولی به یکدیگر می‌دهند، انعام را یک فرد عالی‌مقام به زیردستانش می‌دهد بالعکس پیشکش را افراد زیردست به افراد بالادست می‌دهند. این شخص اخیر می‌تواند شاه هم باشد. برای هدیه‌ای که پس از بازگشت از مسافرت داده می‌شود یا هدیه‌ای که صرفاً به علت نادر بودنش ارزش دارد و یا برای سایر

انواع هدایا و اژه‌های خاصی وجود دارد» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲-۱۷۱)^۱. در ادامه گزارش او بیان می‌کند که خلعت به چیزی گفته می‌شود که از سوی اولیاء امور بالادستی به مقامات پایین‌دستی اعطا می‌شد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲).

خلعت‌هایی که از سوی پادشاه به زیردستانش اعطا می‌شد انواع مختلفی داشت؛ علت این امر را می‌بایست در نوع نگاه شاهان قاجار به عملکرد کارگزاران (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳) و مقام و موقعیت آن‌ها دانست (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۷؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳). در این دوره شاهان قاجار در آغاز سال نو، برای افرادی که خدمات آن‌ها مورد رضایتشان بود لباس افتخار یا خلعت می‌فرستادند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶)؛ بنابراین بخشش‌های شاه به اتباعش گذشته از عناوین، القاب، نشان و حمایل مخصوص، عبارت بود از خلعت یا تن‌پوش‌های گران‌بهایی که به آن‌ها اعطا می‌شد. در عصر قاجار خلعت معمولی قبا، کمر بند و گوش پیچ را شامل می‌شد که در صورت نیاز برای متمایز کردن آن یک شمشیر یا یک خنجر بر آن می‌افزودند و گاهی جامه خزمانند کتابی یا کردی می‌دادند؛ اما خلعت کامل شامل یک اسب با زین و برگ زرین، زنجیر زرین، یک شمشیر زرین و جامه‌ای با همه بخش‌ها بود (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۸). در این دوره گاهی شاه برای اشخاص مورد مرحمت تن‌پوش‌هایی از شال گران‌قیمت کشمیر، کرمان یا مشهد، جبهه‌ای شبیه به پالتو با شمسۀ مرصع، نیم‌تنه پوستانی با آستین‌های کوتاه و یا نوع دیگری از لباس به نام کلیجه و قبا می‌فرستاد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). در مواقعی خلعت‌های ارسالی شامل قبای زربفت یا نقره‌بافت (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶)، یک دست لباس رسمی، قطعه‌ای جواهر یا سکه، یک نوع لباس پالتو مانند به نام لباده، یک قبضه اسلحه جواهرنشان و غیره بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). از طرفی اگر خلعت ارسالی به مناسبت ولیعهدی ارسال می‌شد یک دست خلعت کامل، خنجر مرصع (فیودورکوف ۱۳۷۲: ۲۵۱) و مدال الماس‌نشان شیروخورشید را شامل می‌شد (وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵) اما اگر خلعت ارسالی شاه برای کارگزارانش، تن‌پوشی بود که قبلاً مورد استفاده او قرار گرفته بود، برای گیرنده آن افتخاری مضاعف داشت (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). از طرفی علاوه بر خلعت‌های معمولی به‌ندرت ملزوماتی

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک به: (براون، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۷)

همچون قداره و شمشیرهای مرصع به گیرنده تقدیم می‌شد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۷۲). همچنین در این دوره خلعت‌های متفاوت به همراه ملزومات و متعلقات دیگر به اشخاص موردمرحمت شاه اعطا می‌شد که در مواردی خاص نیز خلعت‌هایی به همراهان حکام یا شاهزادگان خلعت‌گیرنده اعطا می‌شد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶). (به جدول شماره ۱ رجوع کنید).

امور مربوط به خلعت تشکیلات ویژه‌ای داشت؛ در این دوره وظیفه صندوقخانه تهیه خلعت و نشان بود و ریاست آن‌ها بر عهده صندوق‌دار باشی بود (موریه، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۴۳؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۹۸؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۰۸). رئیس صندوقخانه به‌اندازه نیاز، خیاط و زرگر به خدمت می‌گرفت. سپس شال و برگ، خز و سنجاب‌دوزی، قلمکار، قدک و پارچه‌های نابریده‌ای را که به شاه هدیه و پیشکش می‌شد، در صندوق‌خانه ضبط می‌کرد که درنهایت به مصرف لباس شخصی شاه و خلعت‌های اعطایی او می‌رسید (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۰۸؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۹۰). از طرفی لباس شاه و جواهراتی که بر سر و خود می‌زد، جملگی تحویل صندوق‌دارباشی بود. گاهی که شاه تن‌پوش‌های خود را به کسی خلعت می‌داد می‌بایست آن را مسئول مربوطه ضبط می‌کرد و در مواقع بازدید، لباس‌های دوخته شاه، جمع و خرج پارچه‌های سالم و بریده‌شده را بدون کم‌وکاست به‌صورت ثبت‌شده تقدیم می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۰۹).

خلعت‌بخشی بار مالی زیادی برای دربار تحمیل نمی‌کرد؛ چون بخش زیادی از خلعت‌ها (شامل انواع پارچه‌ها و متعلقاتی که همراهشان ارسال می‌شد) توسط صاحب‌منصبان داخلی در قالب پیشکش تأمین می‌شدند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳) (رجوع شود به جدول شماره ۲). در این دوره معمولاً پیشکش‌هایی که در عید نوروز به پادشاه تقدیم می‌شد شامل اسب‌های اصیل، سلاح‌های زیبا، پارچه‌های زربفت، انواع پارچه‌های گران‌بها، شال کشمیر، پوست‌های اعلا، قند، قهوه، چای، شربت و مربا بود (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵) و به بیان موریه: «همانا گاه خلعت از راه ارمغان‌های (پیشکش‌های) ویژه که از شهرستان‌های ویژه (یزد، شیراز، اصفهان) و امین‌الدوله فرستاده می‌شد [...] تأمین می‌شد» (موریه، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۴۰). همچنین هدایای تقدیمی سفرای اروپایی نیز بخشی از هزینه‌های خلعت‌بخشی را کاهش می‌داد (رجوع شود به جدول شماره ۳).

جدول شماره یک

تقدیم انواع خلعت در عصر قاجار				
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۱	فتح‌علی شاه	عباس میرزا	خلعت شال کشمیری	بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳
			اسب	
			زین‌ویرگ	
			پول زیاد	
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۲	ناصرالدین شاه قاجار	مسعودمیرزا ظل‌السلطان	خلعت عبارت بود از کتی از شال کشمیر به ارزش حدود ۲۰۰ تومان که یقه و سرآستین آن از پوست خز بود که یک‌رشته مروارید ریز را به طریق مخصوص از تکه جیب کوچک بالای سینه آویخته تکه ابتدایی کت نیز عبارت از یک قطعه الماس درشت بود.	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	پیشکش‌گیرنده	پیشکش‌دهنده	نوع پیشکش	منبع
۳	ناصرالدین شاه قاجار	ویلز همراه مسعودمیرزا ظل‌السلطان	نشانی نقره‌ای مرصع به شیروخورشید طلایی	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۴	ناصرالدین شاه قاجار	حکیم‌باشی مسعودمیرزا ظل‌السلطان	نشانی نقره‌ای مرصع به شیروخورشید طلایی	ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۵	ناصرالدین شاه قاجار	قوام‌الدوله حاکم شیراز	خلعت او گرز یا تعلیمی نقره‌ای مرصع و جواهرنشان به طول تقریبی یک متر و بیست سانتی‌متر بود.	ویلز ۱۳۶۸: ۲۹۶
ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۶	ناصرالدین شاه قاجار	مظفرالدین میرزای ولیعهد	خلعت و نشان الماس شیروخورشید	وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵

جدول شماره ۲

ردیف	پیشکش گیرنده	پیشکش دهنده	نوع پیشکش	منبع
۱	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدولی میرزا حاکم خراسان	۵۰ رأس اسب عالی	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱.
			۵۰ قاطر	
			۵۰ شتر	
			چند قطعه شال کشمیری	
			چند کیسه فیروزه و چیزهای دیگر	
۲	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدعلی خان (محمدعلی میرزا دولتشاه) حاکم کرمانشاهان	چند قطعه شال کشمیری	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			نیزه	
			تفنگ	
			تپانچه	
			تعداد زیادی شتر و قاطر با بارهای قالی و نمد	
۳	فتحعلی شاه قاجار	شاهزاده محمدقلی میرزا حاکم مازندران	چند قطعه شال کشمیری	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			بارچه‌های زردوزی و نقره‌دوزی شده و ابریشمی	
			قاشق‌های چوبی و ظریف کنده‌کاری شده	
			سلاح	
			شتر	
۴	فتحعلی شاه قاجار	حسین علی میرزا فرمانفرما حاکم فارس	قاطر	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲.
			قند	
			شربت	
			چندین رأس قاطر و شتر با بارهای مملو از قهوه، توتون، تنباکو	
۵	فتحعلی شاه قاجار	حاکم یزد	شال و پارچه‌های ابریشمین بافت یزد	موریه، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۴۲.
۶	ناصرالدین شاه	امین السلطان	یک عدد اسب و باز شکاری	فوریه، ۱۳۸۵: ۲۲۲.
			مقداری شال و قالی میز و صندلی اعلا و اسباب دیگر	

جدول شماره ۳

ردیف	هدیه‌گیرنده	هدیه‌دهنده	نوع هدایا	منبع
۱	فتحعلی‌شاه قاجار	دربار انگلیس (توسط ملک‌خان ۱۸۰۰)	هدایای ملک به فتحعلی‌شاه در سال ۱۸۰۰: آینه‌های قدی	ملک، ۱۳۶۳: ۷۰.
			ساعت‌های کوچک	
			ساعت‌های دیواری بسیار زیبا که با مرواریدهای درخشان روی آن‌ها کار شده بود.	
			تفنگ‌های یک‌لول و دولول	
			تپانچه	
			سرویس کارد و چنگال	
			شال	
			پارچه	
			قطعه‌ای الماس به ارزش ۱۰۰ هزار روپیه اشیای دیگر که در هندوستان و اروپا تولید می‌شدند.	
۲	فتحعلی‌شاه قاجار	هدایای امپراتور روسیه	به فتحعلی‌شاه: یک قاب بلور تراش، آینه‌ای بزرگ	بوته، ۱۳۶۵: ۲۴۸.
			یک دست چینی گران‌بها	
			یک جفت گلدان چینی قشنگ	
			مقدار زیادی پارچه‌های زربفت و نقره‌دوزی و پارچه‌های دیگر	
			سه جقه الماس	
			دو طاقه پوست سمور سیبری و مقداری پوست‌های کم‌ارزش‌تر	
			مقدار زیادی انگشتر و النگو و ساعت	
			دو دوربین آلمانی مرصع	
			ترباک‌دان مرصع	
			سه کارد با دسته الماس برلیان	
			یک قلیان مطلا	
			دو آینه متصل به هم	
			عده‌ای تفنگ و تپانچه و قداره	
			ساعتی به شکل فیل	
			یک دستگاه اسباب زینت و آرایش زنانه	

ردیف	هدیه گیرنده	هدیه دهنده	نوع هدایا	منبع
۳	محمدشاه قاجار	دربار فرانسه (کنت دوسرسی)	ظروف چینی، اشیای برنزی،	دوسرسی، ۱۳۶۳: ۱۸۶؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۴۰.
			اشیای برنزی	
			ساعت‌های رقاصک‌دار، سلاح‌های زیبا	
			یک ساعت،	
			مقدار زیادی پارچه‌های لیون	

۲. آیین خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در عصر قاجار

مراسم خلعت‌پوشان یکی از رسوم و آیین‌هایی بود که در عصر قاجار با تشریفات و تمهیدات خاصی برگزار می‌شد. هر سال در عید نوروز از طرف شاه خلعت‌هایی برای کارگزاران مورد اعتماد که از دید وی عملکرد رضایت‌بخشی داشتند، ارسال می‌شد که مایه افتخار آن‌ها بود. ارسال این خلعت‌ها نشانه اعتماد شاه به رعایا و خدمت‌گزارانش محسوب می‌شد و مهم‌تر از همه به‌عنوان حکم تمديد مسئولیت آن‌ها به حساب می‌آمد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). در دوره قاجار برپایی این مراسم با تشریفات خاص (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۹۶؛ ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳) و نمایشی پردیده (وامبری، ۱۳۷۲: ۶۴) همراه بود. این مراسم تبدیل به یک جشن و گردهمایی عمومی شد که برای عظمت و تقدس بخشیدن به شاه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد؛ به این ترتیب که شخص حامل خلعت شاهی به همراه دو نفر از افراد درباری با کالسکه سلطنتی خلعت را به مقابل خانه خلعت‌گیرنده می‌بردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳). در این دوره اجرای مراسم در مکان خاصی به نام خلعت‌پوشان انجام می‌شد. این مکان‌ها معمولاً به فاصله چند فرسنگ از شهر ساخته می‌شدند و تقریباً در نزدیکی همه شهرهای بزرگ و مراکز ایالات وجود داشتند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴). مکان خلعت‌پوشان معمولاً از نظر آب‌وهوا و فضای سبز، بهترین ناحیه در اطراف شهر بود (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۲۷؛ دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۲۱). فیودورکوف در مورد خلعت‌پوشان تبریز می‌نویسد: «سراپرده خلعت‌پوشان فوق‌العاده زیباست. این سراپرده وسط استخری بزرگ و پر از آب زلال که اطرافش را درختان پربرگ بلندی احاطه کرده‌است، قرار دارد» (فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۱۳۰).

حاملان خلعت قبل از رسیدن به مکان خلعت‌پوشان شخص مورد‌مرحمت شاه را مطلع

می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). سپس گیرنده خلعت به محض اطلاع از حضور آن‌ها، به استقبال خلعت مبارک شاه می‌شتافت (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۱۳۰-۱۲۹؛ موریه، ۱۳۸۵: ج ۲: ۱۲۸) و گاه به منظور احترام بیشتر به خلعت شاه و حاملان آن، چندین نفر از نزدیکان خود را تا چند منزل جلوتر با خود همراه می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ موریه، ۱۳۸۵: ج ۲: ۱۲۹). در این دوره برای برگزاری باشکوه مراسم، انتظامات خاصی را تدارک می‌دیدند. از این رو صف طویلی از سربازان سواره نیزه به دست در دو طرف خیابان به صورت ستونی نظم را برقرار می‌کردند. اگر مردم از محدوده خود تجاوز می‌کردند با ضربات چماق‌داران و ترکه‌های بلند فراشان شاه مواجه می‌شدند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۵). در نهایت پس از مواجه شدن حاملان خلعت و خلعت‌گیرنده، مراسم با شلیک توپ آغاز می‌شد (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۵؛ موریه، ۱۳۸۵: ج ۲: ۱۲۹). متعاقب آن حاملان خلعت درحالی که بقچه ترمه‌ای حامل خلعت را روی دست داشتند به سرعت خود را به گیرنده خلعت می‌رساندند و نامه ابلاغ شاهی را به او تحویل می‌دادند (موریه ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۹؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). سپس با قرائت و ابلاغ اعلام رضایت شاه از خدمات شخص مزبور شلیک توپ‌ها آغاز می‌شد و شخص گیرنده خلعت با خضوع و خشوعی که گویی در مقابل شخص شاه ایستاده‌است (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴) خلعت را دودستی همراه با تعظیم تحویل می‌گرفت و در خلوت آن را می‌پوشید (بتنان، ۱۳۹۰: ۱۰۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷).

۳. کارکردهای اقتصادی خلعت‌بخشی برای دربار

۱.۳. درآمدزایی برای دربار

خلعت‌بخشی شاه به زبردستان در عید نوروز یکی از رسوم کهن در تاریخ ایران بود که دامنه آن به دوره قاجار نیز کشیده شد. از طرفی تقدیم پیشکش به دربار در عید نوروز پیوند و ارتباط خاصی بین این دو تقدیمی برقرار می‌کرد؛ پادشاه در عید نوروز برای خدمت‌گزاران صدیق خود که خدمات آن‌ها مورد توجه قرار گرفته بود، لباس افتخار (خلعت) ارسال می‌کرد که براساس اهمیت شخص گیرنده خلعت برای شاه، خلعت‌های ارسالی ارزش بیشتر یا کمتری داشتند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳)؛ اما به‌طور اخص در مورد

حکام ایالات و ولایات، دریافت خلعت شاهانه به معنای انتصاب و تأیید مقام آن‌ها بود و عدم دریافت خلعت با برکناری آن‌ها از منصب مصادف می‌شد (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۸۱/۱؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴).

بنابر رسم معمول، حکام در عید نوروز با دریافت خلعت در منصب خود ابقا می‌شدند و یا پس از برکناری، جانشینی برای آن‌ها منصوب می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). به همین دلیل حکامی که یک سال در محل حکومت خود مانده بودند، برای تمدید آن، دربار می‌بایست در آغاز سال جدید خلعتی به نشانه ابقای آن‌ها ارسال می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۰۸). بنابراین دریافت‌کننده سعادتمند خلعت تنها از این طریق متوجه می‌شد که یک سال دیگر در مقام خود باقی می‌ماند (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱: ۵۸۱).

سیستم فاسد اداری حکومت قاجار سبب شده بود که مأموران بلندپایه مانند حاکم یا والی منتظر عنایت شاه برای خلعت نمانند، آن‌ها به‌خوبی آگاه بودند که مقبولیت، تجربه و هم‌چنین عقبه کاری، ملاک مهم برای ادامه مأموریت و دریافت خلعت نیست، بلکه معیار اصلی، تقدیم پیشکش‌های هنگفت‌تر نسبت به رقباست (شین‌جوء، ۱۳۹۳: ۱۰۱). آن‌ها مکاتبات زیادی با دربار برای دریافت خلعت انجام می‌دادند (ساکما، ۱۲۸۹: ۲۹۵/۲۵۷۲؛ ساکما، ۱۲۹۹: ۲۹۶/۸۶۷۰؛ ساکما، بی‌تا: ۲۹۶/۱۱۶۳۶). از این‌جهت حکامی که در ایالات و ولایات مختلف بودند برای ابقا در منصب و گرفتن خلعت حکومت از شاه با تقدیم پیشکش‌های درخور با یکدیگر رقابت می‌کردند. هرچند که حکام و صاحب‌منصبان به‌صورت سنتی در عید نوروز پیشکش‌هایی به شاه تقدیم می‌کردند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲-۲۵۱؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵) اما تلاش برای دریافت خلعت حکومت (یا ابقا در منصب) سهم زیادی در افزایش پیشکش‌های تقدیمی به شاه داشت (شین‌جوء، ۱۳۹۳: ۱۰۱؛ اولیویه، ۱۳۷۳: ۱۵۴). به‌طوری‌که حکام در صورت تقدیم پیشکش‌های کم‌ارزش مقام خود را از دست می‌دادند و برعکس با تقدیم پیشکش‌های مضاعف مقرب‌تر می‌شدند (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱: ۵۸۰). هم‌چنین حکام در قبال خلعت‌های فوق‌العاده می‌بایست مبلغ زیادی پیشکش می‌دادند تا از این طریق تداوم مرحمت ملوکانه را تأمین کرده باشند (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱: ۵۸۱). بنابر گزارش شین‌جوء وضع حکام مصداق این مثل ژاپنی است: «دستوری که می‌دهند تا غروب

باقی نمی‌ماند» چراکه ممکن بود حاکم جدید با بداقبالی مواجه شود و پس از مدت کوتاهی مقام خود را به شخص دیگری که پیشکش گزاف‌تری تقدیم می‌کرد، ببازد (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲) از این رو حکام برای تضمین مقام خود همواره ناچار بودند پیشکش‌های تقدیمی را افزایش دهند و مراقب رقبا و فعالیت‌های آن‌ها باشند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳). در این محیط، یکی از راه‌های نیل به مقصود، پیشکش‌های ارزشمند به شاه بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). معمولاً گیرنده خلعت در مقابل مرحمت ملوکانه پیشکش‌هایی با ارزش تر و معادل چند برابر بهای خلعتی که از شاه می‌گرفت به او تقدیم می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ ادوارد یت، ۱۳۶۵: ۳۹۰). به عنوان نمونه، حاجی محمدحسین خان حاکم اصفهان ملقب به امین‌الدوله در زمان جلوس فتحعلی شاه بر تخت سلطنت، با تقدیم پیشکش‌هایی درخور، موقعیت خود را مستحکم کرد و موافقت شاه را برای ابقا در حکومت اصفهان با دریافت خلعت جلب نمود. او هرساله با تقدیم پیشکش‌هایی گران‌بها تر شامل کالاهای مرغوب ایرانی و هندی و مبالغ گزاف پول، دوستی و توجه شاه را جلب می‌کرد (بتنان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰).

در سلسله‌مراتب اجتماعی ایران عصر قاجار، تقریباً هیچ کاری بدون پیشکش صورت نمی‌گرفت و چون تقدیم‌کننده‌ها عموماً طالب مقام و یا حفظ آن بودند، اهمیت و ارزش پیشکش و دفعات تقدیم آن افزایش می‌یافت و به یک‌بار در سال منحصر نمی‌شد: «هیچ‌وقت دیده نشده که کسی عرض‌حالی تقدیم شاه کند مگر آنکه با آن، یک کیسه کوچک ابریشمی یا ترمه‌ای پر یا نیم از پول همراه باشد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸). او در جای دیگر می‌نویسد: «همین اواخر امین‌السلطان ۶ کیسه پر تقدیم کرد و ۴ روز قبل سرتیپ عباسقلی خان شاگرد سابق مدرسه مهندسی نظام پاریس که حالیه آجودان وزیر جنگ است از همین قبیل کیسه‌ها با عریضه‌ای سربه‌مهر شده پیش شاه گذاشت و امروز صبح هم مشیرالدوله کیسه بزرگی که تابه‌حال من به آن بزرگی ندیده بودم به حضور ملوکانه آورد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

اگرچه شاهان قاجار برای خلعت‌بخشی هزینه‌های زیادی صرف می‌کردند؛ اما چند برابر هزینه‌های صرف‌شده را در قالب پیشکش وصول می‌کردند (موریه، ۱۳۸۵: ج ۲: ۲۶۸؛ بتنان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰؛ شیل، ۱۳۶۸: ۹۵). این امر یکی از کانال‌های درآمدزایی و پر شدن خزانه

شاه محسوب می‌شد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۱). ناگفته نماند پادشاهان قاجار به‌ندرت پیشکش‌های تقدیمی را رد می‌کردند چراکه قبل از رونمایی از آن‌ها در مقابل شاه، توسط پیشکش نووی (بازرس هدایا) بررسی می‌شدند و پس از تعیین عیار، آن‌ها را به حضور شاه می‌بردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ بروگش ۱۳۷۴: ۱۷۵).

به نظر می‌رسد پیشکش‌های تقدیمی در ابتدای این دوره به‌ویژه در عصر فتحعلی شاه به‌مراتب بیشتر از پیشکش‌های تقدیم شده در زمان جانشینانش بوده‌است؛ چنانکه دروویل ارزش پیشکش‌های دریافتی او را در عید نوروز ۲ میلیون فرانک تخمین می‌زند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۵). حرص و طمع فتحعلی شاه (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۹۸) و زدوبندهای عوام‌فربانه با برخی از صاحب‌منصبان با ارسال خلعت (جونز، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۵۰) در گرفتن پیشکش‌های چشمگیر از حکام سهم زیادی داشت. همچنین او با گماشتن فرزندان خود به حکومت ایالات و ولایات و اعطای خلعت حکومت به آن‌ها سالانه پیشکش‌های چشمگیری دریافت می‌کرد (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این در حالی است که سیاحان عصر ناصری اذعان دارند که ناصرالدین‌شاه هیچ‌گاه نتوانست معادل نیمی (دالمانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۲) یا ثلثی از پیشکش‌های تقدیمی به فتحعلی شاه را دریافت کند (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۰). به نظر می‌رسد پیشکش‌های دریافتی دربار ناصرالدین‌شاه از ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۰۱). البته او آن قدر پیشکش گرفته بود که پس از دریافت کیسه‌های پول پیشکشی بدون شمارش آن‌ها، از روی ظاهر مقدار هرکدام را تخمین می‌زد (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

۱.۳. هزینه خلعت برای دربار

در عصر قاجار خلعت‌بخشی شاه به زیردستان علاوه بر درآمدزایی در قالب پیشکش، هزینه‌های زیادی به همراه داشت. هزینه‌های مربوط به خلعت‌بخشی شاه را می‌توان در دو حوزه تقسیم کرد:

۱.۲.۳. حوزه داخلی

در حوزه داخلی خلعت‌بخشی پادشاهان قاجار به خادمان خود در عید نوروز (دروویل،

۱۳۶۵، ۱۳۶؛ ویلز ۱۳۶۸، ۲۹۳) هزینه‌های سنگینی به خزانه دربار تحمیل می‌کرد (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ گروته، ۱۳۶۹: ۲۲۷؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۰). به‌طوری‌که جیمز موریه بهای خلعت‌های اعطایی فتحعلی شاه در عید نوروز را ۹۰۰ و بهای هریک را ۳۰۰ غروش عثمانی که روی‌هم‌رفته ۲۷۰ هزار غروش عثمانی می‌شد، تخمین می‌زند (موریه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۰). این رویه در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت و در عصر ناصرالدین‌شاه، خلعت‌های ارسالی شاه در عید نوروز برای وابستگان حکومت، هزینه‌های گزافی به همراه داشت: «شاه از اطراف‌واکناف پیشکش‌هایی دریافت می‌کند [...] در عوض وی به تمام اهل حرم به‌علاوه خدمه بی‌حدوخصر خود و همچنین به کلیه حکام و دولتمردان باید خلعت ببخشد تا حدود ۱۰ سال پیش برحسب همان آیین و رسم کهن تقریباً کلیه خدمه و هریک از افسران قشون قطعه شالی به قیمت ۸ تا ۱۰۰ تومان و حکام و صاحب‌منصبان عالی‌رتبه جبهه‌های شال دوخته که قیمت آن‌ها حتی به ۴۰۰ تومان می‌رسید و دارای منگوله‌های مروارید و زردوزی بود از شاه دریافت می‌کردند و مباحی و مفتخر می‌شدند. این هدایا (خلعت‌ها) [...] برای خزانه دولت مخارج سنگین و خردکننده داشت» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳). متعلقاتی که همراه خلعت‌ها در عید نوروز ارسال می‌شد خزانه دربار را تحت‌تأثیر قرار می‌داد: «در چنین روزی بسته به موقعیت و مقام افراد از شال کشمیری که نصیب رجال والامقام می‌شود گرفته تا قبا و پیراهن چیت- برای خدم‌وحشم درباری- به آن‌ها تعلق خواهد گرفت و [...] این کار بر شاه مخارج سنگینی دارد» (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵). به‌علاوه سازوکار مربوط به محل نگهداری از خلعت‌ها و مسئولینی که چنین وظیفه‌ای را بر عهده داشتند، هزینه‌هایی بر خزانه تحمیل می‌کرد. در این دوره صندوق‌دار باشی مسئول نگهداری از هدایای تقدیم شده به شاه و خلعت‌های تقدیمی او بود که صورت دخل و خرج‌ها را به‌دقت ثبت و ضبط می‌کرد (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۹۸؛ مستوفی، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۰۸). از این‌رو زمانی که شاه خلعتی برای دیگران ارسال می‌کرد بنابر رسم معمول دربار، وجه نقد یا هدیه‌ای تحت عنوان خلعت بها یا صندوق‌داری به مسئول مربوطه اعطا می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۸).

۲.۲.۳. حوزه خارجی

از دیرباز با تشریفات خاصی از سفرایی که از طرف دول خارجی با مقاصد سیاسی و

اقتصادی وارد ایران می‌شدند، استقبال می‌شد. یکی از رسومی که هنگام پذیرش سفرا از سوی شاه رعایت می‌شد، اعطای خلعت‌هایی شامل خلعت شرفیابی و خلعت مرخصی به آن‌ها بود. این آیین که در عصر صفوی با تشریفات خاصی انجام می‌شد (کارری، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، در عصر قاجار نیز به همان ترتیب برگزار می‌گردید و به‌نوبه خود هزینه‌های دربار را افزایش می‌داد. به این صورت که قبل از شرفیابی سفرا نزد شاه توسط صاحب‌منصبان درباری خلعت‌هایی به آن‌ها اعطا می‌شد تا به همراه آن به حضور شاه بار یابند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۸۳؛ بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۶، جونز، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱). (رجوع شود به جدول شماره ۴). در زمان شرفیابی ملکم نزد فتح‌علی‌شاه قاجار رئیس تشریفات دربار با صدای بلند اعلام کرد: «سروان ملکم بهادر سفیر از جانب فرماندار کل هند ملیس به خلعتی که رأی مبارک اعلی‌حضرت بر آن قرار گرفته بود که به وی اعطا شود شرفیاب می‌شود» (ملکم، ۱۳۷۳: ۷۰). بیشتر مواقع، با پایان مأموریت سفرای خارجی، شاه خلعتی به آن‌ها می‌بخشید که به خلعت مرخصی معروف بود (بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۶؛ فالندن، ۲۵۳۶: ۱۶۸؛ ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۸۷). (رجوع شود به جدول شماره ۵). در مواردی شاهزادگان قاجار به‌ویژه ولیعهد نیز این رسم را به‌جای می‌آوردند (جونز، ۱۳۸۶: ۶۹) (رجوع کنید به جدول شماره ۶)

جدول شماره ۴

ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۱	فتح‌علی‌شاه قاجار	آگوست بنتان	یک‌قبای زردوزی	بنتان ۱۳۹۰: ۸۳
			یک‌قبای زری و بالاپوشی	
			از همان پارچه	
			یک شال زری	
			یک کمر بند و شال بند	
			خنجری که غلاف آن مطلا و میناکاری شده	
			یک کیسه پول معادل ۴ هزار فرانک	



جدول شماره ۵

ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۱	فتح‌علی شاه قاجار	ژوبر سفیر فرانسه	یک نیم‌تنهٔ دیبای زربفت و یک جبه‌ای از همان پارچه	ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۸۷
			یک کمر بند	
			یک کلاه‌پوست برهٔ هسترخان	
			یک کارد	
			یک رأس اسب مزین به زیر و برگ گران‌بها	
۲	محمدشاه قاجار	اوژن فلاندن سفیر فرانسه	یک تصویر از محمدشاه که دورش را دانه‌های الماس احاطه می‌کرد	فلاندن، ۱۶۸: ۲۵۳۶-۱۶۷
			دو شال اعلاء	
			گردنبندی مروارید	
			شال‌ها و تزئین‌آلاتی به همراهانش نیز داد.	

جدول شماره ۶

ردیف	خلعت‌دهنده	خلعت‌گیرنده	نوع خلعت	منبع
۱	عباس میرزا نایب‌السلطنه	بنتان سفیر فرانسه	یک شال کشمیر	بنتان، ۱۳۹۰: ۷۱
			یک کمر بند زربفت کار اصفهان	
			یک زین و لگام زرکوب	
			یک شمشیر با تیغه‌ای از فولاد هند	
۲	عباس میرزا نایب‌السلطنه	ژوبر سفیر فرانسه	یک رأس اسب	ژوبر، ۱۳۲۲: ۱۰۴
			اقمشهٔ مختلفه	
			شال‌های گران‌بها	
			کارد مرصع	
۳	عباس میرزا نایب‌السلطنه	تانکوانی	یک طاقه‌شال کشمیر زیبا	تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۹۴

۵. پیامدهای خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی در عصر قاجار

۱.۵. پیامدهای مخرب خلعت‌بخشی

آیین خلعت‌بخشی علی‌رغم منافع مالی و معنوی حاصل از آن (برای خلعت‌دهنده و خلعت‌گیرنده)، پیامدهای مخربی به دنبال داشت؛ حکام و صاحب‌منصبان برای دریافت خلعت ابقا در منصب، سالانه پیشکش‌های هنگفت و مالیات‌های اضافی به دربار تقدیم می‌کردند (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۲۱). آن‌ها همچنین برای دریافت خلعت علاوه بر تقدیم پیشکش به شاه، به صاحب‌منصبان متنفذ به‌ویژه صدراعظم نیز رشوه‌هایی تحت عنوان پیشکش ارسال می‌کردند تا حامی وی در پیشگاه شاه و رقبا باشند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). یکی دیگر از راه‌های جلب رضایت شاه، دادن انعام‌های رضایت‌بخش به حاملان خلعت بود، تا آن‌ها پس از بازگشت نزد شاه از عدل و داد و فضایل دریافت‌کننده خلعت یاد کنند و به پادشاه یادآور شوند که مردم آن ولایت غرق سعادت و رفاه هستند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). نتیجه روابط ناسالم و فاسد این بود که حکام برای اعمال فشار بر رعایا و ثروت‌اندوزی آزادی عمل بیشتری داشته باشند (ماسهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۶-۲۱۵؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۸۴؛ بتتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). آن‌ها با جلب نظر شاه و اطرافیانش مناطق آباد را به فقر و فلاکت می‌کشاندند و بر ثروت خود می‌افزودند و آن‌ها را هم منتفع می‌نمودند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ اورسل، ۱۳۹۳: ۳۱۸-۳۱۷). ماهیت واقعی خلعت‌بخشی با این روش؛ خریدوفروش حکومت ایالات و ولایات با دادن رشوه و پیشکش بود (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ احمدی رهبریان و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۵). در این شرایط حکام جایگاه ثابتی نداشتند و ممکن بود در مقابل شخص دیگری که پیشکش بیشتری (برای دریافت خلعت حکومت) می‌داد، مقام خود را از دست بدهند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱). از این‌رو حاکم پس از دریافت خلعت شاهی، به‌محض رسیدن به منطقه حکمرانی‌اش برای تأمین پول و تأدیه قروضش (که حاصل پرداخت پیشکش بود) از طرق گوناگون و غالباً نامشروع به ثروت‌اندوزی می‌پرداخت. درواقع مهم‌ترین کار حکمران این بود که با بهره‌گیری از تمام امکانات و روش‌های ممکن، رعایا را تحت فشار قرار دهد و چندین برابر مالیات‌های معمول از آن‌ها اخاذی کند (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱؛ شگری،

حسینی، محمدی و میقاتی، ۱۴۰۰: ۱۳۸) این وضعیت زمانی به اوج خود می‌رسید که یکی از شاهزادگان خردسال به حکومت منطقه‌ای منصوب می‌شد، در این شرایط وزیرش که از قدرت نامحدودی برخوردار بود به نفع شخصی خود سوءاستفاده می‌کرد (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۴). در نتیجه این اقدامات کشاورزان و رعایایی که توان پرداخت مالیات‌های چند برابری را نداشتند کشت و کار خود را رها می‌کردند و آواره می‌شدند (شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

به مزایده گذاشتن حکومت ایالات و ولایات هم برای حکومت و حکام و هم برای رعایا مصیبت‌بار بود. اهمیت دادن به مبلغ پیشکش و رشوه بدون توجه به صلاحیت و شایستگی افراد خواهان حکومت، فساد اداری و حکومتی را بیشتر می‌کرد که در پی آن هرکسی به میزان تمول خود می‌توانست به مقام و منصبی دست یابد. سخت‌گیری‌ها توسط حکام و تحت فشار گذاشتن رعایا برای جمع‌آوری پیشکش سالانه به دربار در منابع داخلی عصر قاجار نیز بازتاب یافته‌است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۰۸؛ سیاح، ۱۳۴۶: ۱۹). دربار برای پر کردن خزانه از خلعت سوءاستفاده می‌کرد و این امر به نوبه خود بر فساد، رقابت و سودجویی حکام می‌افزود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۰۸). پیشکش‌های دریافت‌شده در قبال فروش و اعطای منصب و حکومت ولایات، سهم‌زیدی از بودجه دربار را به خود اختصاص داده بود (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۹۲). این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که روابط دوسویه شاه با زبردستانش، فساد اداری-حکومتی را در پی داشت که تبعات آن دامن رعایا را می‌گرفت. گاهی فشار حکام به رعایا، به تمرد آن‌ها می‌انجامید که آن نیز نتیجه‌ای جز سرکوب و کشتار رعایا را به دنبال نداشت (دیولافوا، ۱۳۵۵: ۴۸). رعایا همچنین در اثر فشارهای تحمل‌ناپذیر حکام، بی‌سروسامان می‌شدند و از ترس اخاذی حکام، ثروت و دارایی خود را پنهان می‌کردند. به طوری که از مصرف آن در امور تجارت و اصلاح و تعمیر مملکت جلوگیری می‌شد که این امر در نهایت مملکت را به ویرانی می‌کشاند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ شین‌جو، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

۲.۵. شأن و منزلت سیاسی خلعت برای حکام

خلعت‌بخشی شاه علاوه بر کارکردهای مالی از نظر سیاسی و معنوی برای نمایندگان او در ایالات و ولایات مختلف اهمیت ویژه‌ای داشت. به نظر می‌رسد دریافت خلعت شاهی و

ابقا در منصب با توجه به تشریفات خاصی که برای آن در نظر گرفته می‌شد، علاوه بر نمایش قدرت و عظمت شاه، بر شأن و منزلت سیاسی گیرنده آن نیز می‌افزود. بیگربیگی‌ها و حکامی که به دریافت خلعت شاهی مفتخر می‌شدند از فرصت به‌دست‌آمده استفاده می‌کردند و آنچه لازمه تجمل بود به کار می‌گرفتند تا به مردم نشان دهند که مورد لطف و مرحمت ویژه شاه قرار دارند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). در راستای همین سیاست حکام برای نمایاندن مرحمت شاهی در انظار عموم، تشریفات ویژه‌ای به راه می‌انداختند، تا از این طریق به اهداف خود مبنی بر ثرواندوزی و تثبیت قدرتشان جامعه عمل بپوشانند (بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). شخص خلعت‌گیرنده در مواقعی بنابر مصلحت، دریافت خلعت را به بهانه نحس بودن زمان دریافت آن به تعویق می‌انداخت، تا در شرایط مناسب و با حضور انبوه جمعیت مراسم را برگزار کند (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). موریه درباره این تشریفات می‌نویسد: «دریافت‌کنندگان خلعت تدارک‌های مفصلی تهیه دیده، دوزوکلک‌ها به کار می‌بردند تا اعطای خلعت نشانه بسیاری توجه و التفات شاه به گیرنده باشد» (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). چراکه خلعت، معیار بزرگی دریافت‌کننده آن را در مقابل مردم و دربار مشخص می‌کرد (موریه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۸). از این رو حکام پس از دریافت و پوشیدن خلعت شاهی با جلال و شکوه ویژه‌ای آن را در معرض دید همگان قرار می‌دادند (بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴؛ وامبری، ۱۳۷۲: ۶۵) و پس‌از آن با شلیک توپ روانه شهر می‌شدند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). تمامی اهالی شهر برای استقبال از مرحمت شاهانه به پیشواز شخص خلعت‌پوش می‌رفتند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۰).

سپس با تمهیدات خاصی از خلعت رونمایی می‌شد (بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴). از سوی دیگر حکام یا شاهزادگان برای باشکوه‌تر کردن مراسم از دسته‌های موزیک و آوازخوان استفاده می‌کردند. به این ترتیب که پیشاپیش جمعیت نقاره‌چی‌ها دسته ارکستری مرکب از سرناها، طبل‌ها و شیپورها در حال ترنم بودند و ساززن‌ها نیز با پرچم‌هایی که به همراه داشتند دوبه‌دو سوار شتر و توپچی‌ها سوار بر اسب بودند. هم‌چنین فراش‌ها برای جلوگیری از ازدحام جمعیت، مردم را کنار می‌زدند و پیشاپیش حاکم حرکت می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷). برای زینت کار اسب‌های زیادی را با زنجیرها و نوارهای طلایی آراسته و افسار آن‌ها را به دست جلوداران می‌دادند سپس صاحبان آن‌ها که افراد متشخصی بودند در صف ملتزمین حاکم

پیاپیاده حرکت می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷). از طرفی حکام برای اینکه نظر همگان را به خود جلب کنند، از سفرای خارجی حاضر در منطقه تحت حاکمیت خود برای حضور در مراسم خلعت‌پوشی دعوت می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۴-۲۹۳؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۳). گستردگی مراسم تعجب سیاحان را برمی‌انگیخت: «این مراسم چنان دامنه وسیعی دارد که در اروپا چنین آیین‌هایی برای مردم کاملاً بی‌سابقه و ناشناخته است (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷).

پس از انجام این تشریفات، نمایش‌های نمادینی برگزار می‌شد و اعیان و بزرگان شهر به پیشواز شخص موردمرحمت می‌رفتند. سپس وارد سرای حاکم می‌شدند و به‌افتخار او یک تیر توپ شلیک می‌کردند و تبریک می‌گفتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷). درنهایت با انجام قربانی گاو (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۶) یا گوسفند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷) زیر پای اسب خلعت‌گیرنده، مراسم و نمایش خاتمه پیدا می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷). پس‌از آن نیز شخص موردمرحمت سه روز پیاپی خلعت شاهی را در معرض عموم قرار می‌داد و در طول این مدت مهمانی‌های مجلل و باشکوه با حضور بزرگان و محترمین برپا می‌کرد. انجام این تمهیدات از این جهت بود که علاوه بر رونق بخشیدن به ضیافت، درجه تقرب خود را نزد شاه به میهمانان گوشزد کنند (دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۶؛ موریه، ۱۳۸۵: ج ۲: ۱۲۸). در پایین‌ترین مراتب کارگزاران عصر قاجار، اشخاص به‌هر نحوی از خلعت شاهی برای نمایش تقرب به شاه و متمایز کردن خود از دیگران استفاده می‌کردند و بر خود مباحثات می‌کردند (بوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۷؛ ادوارد یت، ۱۳۶۵: ۳۹۰). گزارش ویلز از پایان مراسم دریافت خلعت شاهی توسط ظل‌السلطان نمایانگر کارکرد سیاسی خلعت و ارتقاء جایگاه سیاسی افراد در انتظار عموم بود: «درحالی‌که صدای غرش توپ‌ها همه‌جا را تکان می‌داد ظل‌السلطان مغرور و پر نخوت ناظر بر همه این احوال ضمن به لب آوردن لبخندی از مظفریت رضایت خاطر خود را نشان داد» (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۷). به‌طور کلی چنین روزی برای شخص گیرنده خلعت، روز بسیار عزیزی بود، چراکه نمایش‌های نمادین و باشکوه به‌منظور نمایاندن تقرب به شاه در انتظار عموم، از یک‌سو بر قدرت حکام می‌افزود و از سوی دیگر مردم را در مقابل آن‌ها مطیع‌تر می‌کرد. به‌گونه‌ای که آن‌ها با اعمال فشار بر مردم نه‌تنها هزینه‌های صرف‌شده برای دریافت خلعت و برگزاری مراسم خلعت‌پوشان را تأدیه می‌کردند بلکه بر

ثروت خود می‌افزودند و توانایی مالی خود را برای حضور در میدان رقابت برای حفظ و تصاحب مناصب در سال‌های آتی را حفظ می‌کردند.

۳.۵. هزینه‌تراشی خلعت برای حکام

خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی که غالباً با آغاز سال نو و انتصاب حکام همراه می‌شد، فارغ از اهمیت مادی و معنوی آن، هزینه‌های زیادی برای گیرنده آن به‌ویژه حکام در پی داشت. حکام بلافاصله بعد از گرفتن خلعت پیشکش‌های ارزشمندی معادل چندین برابر قیمت خلعت دریافتی به شاه تقدیم می‌کردند (شیل، ۱۳۶۸: ۹۵؛ موریه، ۱۳۸۵، ج ۲ ک ۲۶۸؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۳). بیشترین هزینه‌های حکام در قبال خلعت دریافتی مربوط به پیشکش‌های تقدیمی به شاه بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ ادواردیت، ۱۳۶۵: ۳۹۰) چراکه انجام این رویه بقا و ماندگاری آن‌ها را در منصب فعلی‌شان تضمین می‌کرد (بنتان، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰). از سوی دیگر مراسم و آیین مربوط به خلعت‌بخشی و خلعت‌پوشی، حکام و صاحب‌منصبان را با مخارج سنگین مواجه می‌کرد. بنابر رسم معمول، خلعت‌ها توسط یکی از محارم، معتمدین و خدمت‌گزاران درباری ارسال می‌گشت (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷). او پس از رسیدن به محل موردنظر در مکان خلعت‌پوشان توقف می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). پس از انجام مراسم، شخصی که به دریافت خلعت مفتخر می‌شد می‌بایست انعام یا خلعتی ذی‌قیمت به خدمت‌گزار شاه تقدیم می‌کرد که اغلب ارزش آن بیش از خلعت شاهی بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۹۳؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). در این مواقع معمولاً شاه انعام تقدیمی خلعت‌گیرنده به حاملان خلعت را تعیین می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶) که هیچ‌وقت کمتر از ۵۰ تومان نبود و گاه این انعام ممکن بود دو برابر یا بیشتر شود (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). حمل خلعت شاهی به شغل پردرآمدی تبدیل شد و در مواقعی اگر حامل خلعت از دریافت کامل پاداش خود مطمئن نبود، و یا کار پرسود دیگری پیدا می‌کرد پیشاپیش با دریافت مبلغی معین مأموریت محوله را به شخص دیگری واگذار می‌کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۶). در چنین مواقعی که حاملان خلعت، مأموریت انجام کار را از دیگری خریداری می‌کردند هزینه‌های بیشتری برگیرنده خلعت تحمیل می‌کردند تا از مأموریت خود منتفع شده باشند. در مواقعی آن‌ها نیز قبل از انجام مأموریت و تحویل خلعت، بخشی از پارچه

خلعت را می‌پردند تا در زمان مقتضی به فروش برسانند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). لذا خلعت‌گیرنده باید به نحوی شایسته از پیشخدمت و همراهان او استقبال و انعام آن‌ها را پرداخت می‌کرد. بنابر گزارش پولاک: «شاه هرگز فراموش نمی‌کند که از فرستاده خود بپرسد چقدر در این مأموریت مداخل داشته‌اند؛ سوگلی‌های خود را به مأموریت‌های نان‌وآب‌دار می‌فرستد و وای بر حاکمی که در این مورد خست و لثامت به خرج داده باشد. چون معمولاً با حاملان خلعت اسب‌ها، فرش‌ها، خواجه‌ها و غلامان دیگری هم هدیه می‌شود پس اعزام به ولایتی خوب و ثروتمند می‌توانست کیسه خالی را پر و وضع مغشوش مالی هرکسی را سروسامان دهد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

علاوه بر هزینه‌های فوق، تشریفات مربوط به برگزاری مراسم خلعت‌گیری توسط حکام بر هزینه‌های خلعت‌پوشی می‌افزود. از این‌رو که حکام به محض اطلاع از حضور نماینده شاه در مکان خلعت‌پوشان، چادرهای وسیع و مجللی برپا می‌کردند و تا انجام مراسم از حضاری که برای تماشای مرحمت شاهانه آمده بودند پذیرایی می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ وامبری، ۱۳۷۲: ۶۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۱۳۷؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳). حکام هم‌چنین برای تزئینات مربوط به مراسم هزینه‌های زیادی متحمل می‌شدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ بنتان، ۱۳۹۰: ۱۰۴) و در طول مراسم افراد سودجو با قصیده‌خوانی و مدح خلعت‌گیرنده سیل تومان‌های او را به سمت خود سرازیر می‌کردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۶۸). بر این اساس بنابر گزارش‌ها به‌وضوح می‌توان دریافت که حکام پس از خلعت‌گیری باید زیان‌های مالی ناشی از آن را با اعمال فشار بر رعایا تأدیه می‌کردند.

نتیجه‌گیری

خلعت‌بخشی شاه و خلعت‌پوشی به‌عنوان یکی از رسوم دیرپای تاریخ ایران که دامنه آن به دوره قاجار نیز کشیده شد از نظر مالی و اقتصادی، اعضای دخیل در حکومت را تحت‌تأثیر قرار می‌داد که در این جریان سیاست خاص شاهان قاجار در تعیین زمان تقدیم خلعت و شرایطی که بر گیرنده تحمیل می‌کردند اهمیت آن را بیش‌ازپیش افزایش می‌داد. در عصر قاجار یکی از مداخل حکومت که سهمی از خزانه را به خود اختصاص می‌داد پیشکش‌های نوروزی اعیان و بزرگانی بودند که طالب جاه و مقام بودند. از این‌رو خلعت‌بخشی شاهان

قاجار به کارگزاران و اعیان و بزرگان و مصادف کردن آن با زمان تقدیم پیشکش‌های نوروژی عملاً محرکی برای جاه‌طلبان بود که با تقدیم پیشکش‌هایی بیش بر دیگران، موقعیت خود را تثبیت و یا جایگاه جدیدی به دست بیاورند. به نظر می‌رسد هدف از به کار گرفتن این شیوه توسط شاهان قاجار، به وجود آوردن نوعی فضای رقابتی بین تقدیم‌کننده‌های پیشکش بوده‌است تا هرکدام از آن‌ها برای کنار زدن رقبای خود تا حد امکان از پر کردن خزانه شاه دریغ نکنند. پادشاهان قاجار در چنین فضای رقابتی که بین تقدیم‌کنندگان پیشکش ایجاد می‌شد بیش‌ازپیش منتفع می‌شدند و از این طریق، علاوه بر تأمین هزینه‌های مربوط به خلعت‌بخشی، خزانه خود را نیز پر می‌کردند. خلعت که بالاترین لطف شاه به زیردستان محسوب می‌شد از طرف گیرنده آن به عالی‌ترین شکل ممکن دریافت می‌شد که البته هزینه‌های زبان‌بازی به همراه داشت. از سوی دیگر تبعات آن نیز دامن‌گیر رعایا می‌شد. به این ترتیب که شخص خلعت‌گیرنده با توجه به اینکه هزینه‌های زیادی را در راه دریافت خلعت متحمل می‌شد (از شاه گرفته تا نزدیکان او) با اعمال فشار بر رعایا هزینه‌های زیادی را بر آن‌ها تحمیل می‌کرد و تمام هزینه‌های گرفتن خلعت را به شیوه‌های مختلف از آن‌ها می‌گرفت.

خلعت‌بخشی شاهان قاجار به‌مرور سیستم اداره امور کشور را تحت‌تأثیر قرار داد و به گسترش فساد، رشوه‌خواری، سفته‌پروری و خریدوفروش مناصب منجر شد. در آن فضا، متصدیان امور نه برپایه توانایی و شایسته‌سالاری، بلکه براساس قدرت مالی و ظرفیت بالای تقدیم رشوه و پیشکش برگزیده می‌شدند. نتیجه دیگر این شرایط این بود که این سیستم فاسد در برابر هرگونه تغییر و تحول اصلاحی در ساختار اداری کشور مقاومت کرده و آن را با شکست مواجه می‌کرد. در این محیط، حکام و کارگزاران حکومتی، مناصب مختلف را نه ابزار و وسیله خدمت به رعیت، شاه و گسترش آبادانی، بلکه اهرمی برای کسب سود قرار داده بودند، بنابراین فقر، ویرانی و نارضایتی عمومی در سراسر کشور گسترش یافت.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- ادوارد یت، چارلز (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان: سفرنامه کللی یت به ایران و افغانستان*، ترجمه مهدی رهبری و قدرت الله روشنی، تهران: یزدان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۴۱). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولیویه، آنتوان گیوم (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار)*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- براون، ادوارد (۱۳۸۱). *یک سال در میان ایرانی‌ها*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ماه ریز.
- بروگش، هنری (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هنریش بروگش)*، ترجمه مجید جلیوند، تهران: مرکز.
- بنتان، آگوست (۱۳۹۰). *سفرنامه آگوست بن‌تان*، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، بی‌جا: بی‌نا.
- بوئه، موریس دوکوتز (۱۳۶۵). *مسافرت به ایران*، ترجمه محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

- تانکوانی، ژ. ام (۱۳۸۳). *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۹۹). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
- جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶). *خاطرات سرهارفورد جونز (روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به تهران)*، ترجمه مانی صالح علامه، تهران: ثالث.
- دالمانی، هنری رنه (۱۳۷۸). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاوس.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵). *سفر در ایران*، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دوسرسی، کنت (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی*، ترجمه احسان اشراقی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- دیولافوا، ژان (۱۳۵۵). *سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۶). *ایران، کلد و شوش*، علی‌محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- رودگی، قنبر علی (۱۳۹۳). *خلعت (در تداول فارسی‌زبانان: خلعت)*، دانشنامه جهان اسلام.
- ژوبر، پ.آ. (۱۳۲۲). *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود هدایت، تهران: تابان.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح*، به‌کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵-۱۳۷۲). *سفرنامه تسوالبه شاردن*، ترجمه اقبال یغمائی، تهران: توس.
- شیل، لیدی (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل (همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه)*، ترجمه حسین ابو ترابیان، تهران: نو.

- شین‌جوع، سوزوکی (۱۳۹۳). *سفرنامه شین‌جوع (سفر در فلات ایران) پیاده‌گردی راهب بودایی ژاپنی در شمال و شرق ایران*، به پیوست مقاله انتقادی درباره نهضت مشروطه‌خواهی، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه اورا، تهران: طهوری.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، ترجمه و حواشی از منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوریه (۱۳۸۵). *سه سال در دربار ایران (خاطرات دکتر فوروریه پزشک ویژه ناصرالدین‌شاه قاجار)*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- فیودورکوف، بارون (۱۳۷۳). *سفرنامه بارون فیودورکوف، ۱۸۳۴-۱۸۳۵ م فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمدمیرزا و سقوط قائم‌مقام*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- کارری، جووانی فرانچسکو جیملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، بی‌جا: وزارت فرهنگ و هنر، ارشاد کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیوند، تهران: مرکز.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳). *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و نی ئی یا، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات استان قدس رضوی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، تهران: هرمس.

- موریه، جیمز (۱۳۸۵). *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سرس، تهران: توس.
- موزر، هنری (۲۵۳۶). *ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)*، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲). *زندگی و سفرهای وامبری دنباله سیاحت درویشی دروغین*، ترجمه محمدحسن آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز)*، ترجمه غلامحسین قراگوز لو، تهران: اقبال.
- هالینگری، ویلیام (۱۳۴۳). *روزنامه سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران*، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.

مقالات

- احمدی رهبریان، حسین و مقصود علی صادقی (۱۴۰۱). روند کسری بودجه و راهکارهای تأمین آن در دوره قاجار، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۳ (۳۰)، ۱-۲۵.
Doi: 10.22034/jiiph.2021.46824.2219
- امیر نیما الهی و صمد سامانیان (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی آداب خلعت و جامه بخشی در دوره خلافت فاطمی، *تاریخ تمدن اسلامی*، ۱۲ (۱)، ۱-۲.
Doi: 2021.309460.654176JHIC./10.22059.4
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۵). خلعت و خلعت‌بخشی (نگاهی به خلعت و خلعت‌بخشی در تاریخ)، *آموزش زبان و ادب فارسی*، ۱۹ (۲)، ۲۶-۲۸.
- شکری، سهیلا، حسینی، میرهادی، محمدی، حسین، و کاظم میقاتی (۱۴۰۰). بررسی ساختار نظام اداری و سیاسی در آذربایجان عصر ناصری و مظفری، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۲ (۲۸)، ۱۳۱-۱۵۵.
Doi: 10.22034/jiiph.2021.42802.2137
- مافی تبار، آمنه (۱۴۰۱). بررسی ارزش و اعتبار منسوجات در ایران از منظر سیاحت‌نامه‌های عصر قاجار، *پژوهش‌های تمدن ایرانی*، ۴ (۱)، ۱-۲۱.

Doi: 2022.20031.1122JIC/10.22103

- مرزبان و قاری، معصومه و محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های سبکی و شگردهای خاص بیهقی و فردوسی در توصیف آیین خلعت‌بخشی، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۱۱(۳)، ۲۸۷-۳۰۸.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: ساکما، ۱۲۸۹: ۲۵۷۲/۲۹۵.
- ساکما، ۱۲۹۹ق: ۸۶۷۰/۲۹۶.
- ساکما، بی‌تا: ۱۱۶۳۶/۲۹۶.

